



اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار ۲۸- شهریور ۱۳۹۲

بسم تعالی

اولین همایش ملی معماری . مرمت. شهر سازی و محیط زیست – همدان

موضوع:

بررسی جایگاه مرمت و تحلیل شیوه های مرمت در معماری سنتی

محقق: محمد مشعلچی

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری

دانشگاه جامع شوشتر



مردادماه ۹۲

Email: Architect_2266@yahoo.com

بررسی جایگاه مرمت و تحلیل شیوه های مرمت در معماری سنتی

چکیده

فرسودگی شهری یکی از مشکلات جدی و از پدیده های غیرقابل اجتناب است که مدیریت شهری در تمام کشورهای جهان با آن روبه روست. آنچه مهم است اینکه فرسودگی شهری و ایجاد بافت های فرسوده مختص به کشور خاص یا شهر مشخصی نمی باشد، بلکه تمامی شهرها و روستاها در جهان با آن درگیر هستند ولی بسته به شرایط، قدمت، نوع مصالح و کیفیت ساخت و ساز شهرها شدت و ضعف دارد. بدیهی است که استانداردهای ساخت و ساز، دوره زمانی تعریف شده برای عمر مفید بناها، کیفیت و مقاومت مصالح، سیاست های حمایتی و تشویقی دولت و برنامه های مدیریت شهری از عناصر تعیین کننده در ایجاد و گسترش بافت های فرسوده و کنترل و نوسازی بناها می باشند. عدم توجه به این بافت ها که همه دارای الگوهای شهری مناسب برای فرهنگ و اقلیم منطقه بوده و اکنون به عنوان یک محیط نامطلوب شهری محسوب می گردند، باعث تشکیل محیط های فرسوده و ملال آور شده است. هرچند که، رگ حیاتی در اکثر این مناطق جریان دارد ولی هر روز خانه های بیشتری متروکه و مخروبه می شوند و یا به عملکردهای نامناسب اختصاص می یابند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی نگاهی دارد بر مفهوم و عملکرد بافت فرسوده سنتی و همچنین جایگاه فعلی این بافت ها در معماری معاصر ایران. و تأکیدی است بر علل و عوامل فرسایش بافت سنتی شهری و ویژگی و ارزش بافت قدیم و پیامدهای ناشی از نحوه برخورد با آن و چگونگی برخورد با این مهم با هدف حفظ و احیای کیفیت عملکردی - اجتماعی و اقتصادی بافت های سنتی شهری است.



کلمات کلیدی :

مرمت ، شیوه های مرمت ، معماری سنتی ، بافت فرسوده ، بافت سنتی

۱- مقدمه :

تفسیر انسان دوره مدرن از محیط و نوع سازشش با آن منجر به ظهور کالبدی شد که ارتباط بین گذشته و حال بافت تاریخی شهر را از هم گسست. این جدایی مکانی، پیوستگی های اجتماعی را نیز ضعیف کرد. نظام شهرسازی قرن پیشین، فرآیند اجتماعی-مکانی موجد شهر را از هم جدا کرد و انسان به عنوان عینیتی جدا از محیط فقط نظاره گر تصمیمات یک سویه مدیران شهر شد و نقش مردم در اداره و ساخت شهر به قلت گرائید. در واقع این گسست مکانی-اجتماعی از مکان گزینی خدمات شهری بر اساس بهره وری اقتصادی و بی توجهی به تمایلات اجتماعی به وجود آمد. بر هم خوردن مناسبات اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن در توسعه کالبدی شهرها از یک سو، رفتار بافت های تاریخی را در جریان توسعه به ناهنجاری مبدل کرد که از جمله این ناهنجاری ها، متروکه شدن، تغییر کاربری و بلا تکلیفی واحدها، امنیت، بهداشت و بالاخص بر هم خوردن سازمان اجتماعی و ارزش موجود در این بافت ها بود. از سوی دیگر مناقشه میان دو مفهوم حفاظت و توسعه در سطوح کارشناسی و فقدان سیاست های مدون به واسطه تعدد مراکز تصمیم گیرنده و اقدامات کمی آن ها منجر به تخریب بیشتر این محدوده ها گشته است.